

بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>



## توضیح درس:

### مقدمه :

در مقدمه برای فهم بهتر مفاهیم برابری و نابرابری یک مثال آورده شده :  
مدیران یک شرکت تولیدی درباره چگونگی پرداخت دستمزد به کارکنان شرکت اختلاف نظر دارند :

**نظر گروه اول :** به هر کسی به اندازه ای که شایستگی دارد دستمزد پرداخت شود آن ها :

۱- تفاوت افراد ( مانند توان جسمی و ذهنی ، انگیزه و مهارت ) را بر جسته می کنند

۲- رقابت میان افراد را برای تولید بیشتر را ضروری می دانند.

۳- افراد و گروه های توانگر را در اولویت قرار می دهند .

**نظر گروه دوم :** از هر کسی به اندازه توان او کار بخواهیم ، اما به اندازه نیازی که دارد ، به او دستمزد بدهیم آن ها :

۱- شباهت های افراد ( مانند هممنوع ، هم وطن و همکار بودن ) را برجسته می کنند.

۲- بر همدلی و نوع دوستی افراد تاکید می کنند.

۳- افراد و گروه های «کم توان» را در اولویت قرار می دهند.

راهکار پیشنهادی هر یک از دوگروه برای تعیین قیمت کار افراد متفاوت است :

**نظر گروه اول :** بازار می تواند قیمت کار افراد را نیز ( مانند قیمت کالا ) بر اساس قانون عرضه و تقاضا تعیین می کنند.

**نظر گروه دوم :** قانون عرضه و تقاضای بازار نمی تواند ارزش واقعی کالاها و کار افراد را مشخص کند.

گروه دوم ، دخالت دولت برای کنترل بازار لازم می دانند ؛ آنها به دولت اعتماد می کنند و معتقدند دولت به نمایندگی از همه و به نفع همه عمل می کند.

## تفاوت یا نابرابری

### تفاوت

افراد از جنبه های مختلف با یکدیگر متفاوت هستند، انسان ها از نظر قد ، وزن ، جنس ، رنگ پوست ، توانایی ها جسمی و ذهنی ، قدرت سیاسی ، ثروت ، تحصیلات ، لهجه ، زبان و ..... با هم تفاوت دارند.  
با دقت در تفاوت میان افراد مشخص می شود که همه تفاوت ها از یک نوع نیستند :

#### • تفاوت های اسمی:

نمی توان افراد را بر اساس این تفاوت ها رتبه بندی کرد.

**مثال :** برخی افراد سیاه پوست ، برخی ، رنگین پوست هستند: این دو گروه از نظر رنگ پوست متفاوتند ، اما هیچ کدام بر دیگری برتری ندارند.

**مثال :** زن و مرد از نظر جنسیت با یکدیگر متفاوتند ، اما هیچ کدام بر دیگری برتری ندارند.

#### • تفاوت های رتبه ای :

می توان افراد را بر اساس این تفاوت ها رتبه بندی کرد.

**مثال :** افراد در قد ، هوش ، ثروت و تحصیلات با هم تفاوت دارند: یعنی برخی افراد کم تر و برخی افراد بیشتر از این ویژگی ها برخوردارند.

● **تفاوت های رتبه ای ( برخلاف تفاوت های اسمی ) نابرابری ایجاد می کنند؛** یعنی افرادی که دارای ثروت و تحصیلات متفاوت هستند ، با هم نابرابرند

### نابرابری

نابرابری ها بر دو گونه اند:

• **نابرابری های طبیعی :** صرف نظر از زندگی افراد در جامعه و به طور طبیعی وجود دارند؛ مانند نابرابری افراد در قد یا ضریب هوشی

• **نابرابری های اجتماعی :** در جامعه ایجاد می شوند ؛ مانند نابرابری در تحصیلات و ثروت .

**مثال :** میزان تلاش افراد یا موقعیت خانوادگی که در آن متولد شده اند ، آن ها را از نظر رتبه نابرابر می سازد .

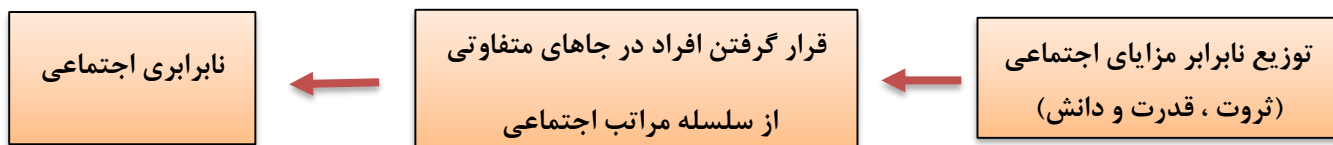
## انواع تفاوت

با جمع بندی مطالب بالا می توان گفت تفاوت ها بر سه نوع هستند : ۱- تفاوت اسمی - نابرابری طبیعی ۳- نابرابری اجتماعی



## سه رویکرد به نابرابری اجتماعی

یکی از مهم ترین موضوعات مورد توجه جامعه شناسان ، « نابرابری اجتماعی » است ؛ یعنی تفاوت های های اسی و نابرابری های طبیعی فقط زمانی مورد توجه جامعه شناسان قرار می گیرند که به نابرابری اجتماعی منجر شوند. جامعه شناسان در مطالعه نابرابری های اجتماعی ، به قشر بندی اجتماعی در جوامع توجه دارند و از نظر آن ها ، علت نابرابری های اجتماعی این است که مزایای اجتماعی ( یعنی ، ثروت ، قدرت و دانش ) به صورت نابرابر میان افراد توزیع شده اند ؛ بنابراین برخی افراد در بالای سلسله مراتب اجتماعی قرار می گیرند و برخی افراد در پائین آن.



پرسش : آیا وجود نابرابری های اجتماعی برای جامعه ضرورت دارد؟ یا برای برقراری عدالت اجتماعی باید با نابرابری اجتماعی مبارزه کرد و تلاش نمود تا همه افراد و گروه ها با هم برابر شوند؟  
پاسخ : برای پاسخ به پرسش فوق ، باید رویکرد های متفاوتی را مورد مطالعه و بررسی قرار داد عبارت اند از:

### رویکرد اول : مدل لیبرالی (موافقان قشر بندی اجتماعی)

برخی جامعه شناسان معتقدند که نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد. از نظر این گروه از جامعه شناسان ، نابرابری اجتماعی از تفاوت ها یا نابرابری های طبیعی ناشی می شود. مثال : دو نفر را تصور کنید که هر کدام یک هکتار زمین دارند و در آن کشاورزی می کنند. در پایان سال ، فردی که توانمند بوده و تلاش بیشتری کرده است ، محصول بیشتری برداشت می کند ؛ اما ممکن است فرد دیگر به دلیل ناتوانی یا تنبلی نتواند هیچ محصولی برداشت نماید. فرد اخیر برای برطرف کردن نیازهایش ، به دیگری که محصول بیشتری برداشت نموده ، نیازمند خواهد شد و این جا یک مبادله رخ می دهد ؛ مثلاً فردی که که محصول اضافی دارد ، نصف زمین فردی که محصول ندارد را می گیرد و در مقابل ، هزینه های زندگی او را برای یکسال تامین می کند. از این به بعد ، یکی از کشاورزان ، یک و نیم هکتار و دیگری نیم هکتار . اگر این روند سالهای بعد هم ادامه پیدا کند ، کسی که باز هم نتوانسته محصولی برداشت نماید دیگر زمینی نخواهد داشت و ناچار به کار مزدی خواهد شد ؛ یعنی برای دیگری کار خواهد کرد.

### الف ) باورهای جامعه شناسان طرفدار مدل لیبرالی

- ۱- موافق قشر بندی اجتماعی هستند.
- ۲- معتقدند از گذشته تا کنون ، هیچ جامعه ای بدون قشر بندی اجتماعی نبوده است.؛ یعنی قشر بندی پدیده ای است که در همه زمان ها و مکان ها وجود داشته است.
- ۳- بر این باورند که نابرابری های اجتماعی نتیجه تفاوت ها یا نابرابری های طبیعی هستند ، بنابراین عادلانه اند.
- ۴- با طبیعی دانستن قشر بندی اجتماعی ، نقش انسان ها و جوامع را در پدید آمدن و ادامه یافتن قشر بندی اجتماعی نادیده می گیرند و تغییر در آن را چندان امکان پذیر نمی دانند.
- ۵- با تاکید بر کارکردهای قشر بندی ، آن ها را تأیید و تثبیت می کنند.

## ب) انتقاد به مدل لیبرالی

جامعه‌شناسان پیرو این رویکرد، این واقعیت را نادیده می‌گیرند که نابرابری‌های اجتماعی همیشه نتیجه نابرابری‌های طبیعی نیستند.

منتقدان رویکرد نخست می‌گویند مثال ( دو کشاورز بالا) شاید بتواند نقطه آغاز شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی را توجیه کند، اما نمی‌تواند نابرابری اجتماعی میان افرادی که در طبقات اجتماعی مختلف متولد می‌شوند را توضیح دهد.

در هر جامعه‌ای، برخی از افراد در طبقه بالا و برخی دیگر در طبقه پائین متولد می‌شوند، یعنی نقطه شروع رقابت میان افراد یکسان نیست. مثلاً کودکانی که در طبقه بالای جامعه متولد می‌شوند، در مقایسه با کودکانی که در طبقه پائین متولد می‌شوند. از امکانات آموزشی بهتری برخوردارند؛ بنابراین یک نابرابری اجتماعی مقدمه نابرابری اجتماعی بعدی می‌شود نه یک تفاوت یا نابرابری طبیعی.

نتیجه: با این که طرفداران قشر بندی اجتماعی، رقابت را در زندگی اجتماعی ضروری می‌دانند، اما از این نکته مهم غفلت می‌کنند که در رقابت عادلانه باید نقطه شروع رقابت یکسان باشد.

## رویکرد دوم: مدل کمونیستی ( مخالفان قشر بندی اجتماعی )

جامعه‌شناسان طرفدار این رویکرد برخلاف رویکرد اول ( مدل لیبرالی )، مخالف قشر بندی اجتماعی هستند.

## الف) باورهای جامعه‌شناسان طرفدار مدل کمونیستی

۱- معتقدند نابرابری‌های اجتماعی ناشی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های طبیعی نیستند، بلکه نتیجه روابط سلطه جویانه میان انسان‌ها هستند و از این رو باید با آنها مبارزه کرد.

۲- عدالت اقتصادی را مهم می‌دانند و معتقدند که عدالت، با توزیع برابر ثروت برقرار می‌شود.

۳- بر این باورند که مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد شده و نابرابری اجتماعی ایجاد کرده است، بنابراین برای ایجاد برابری، باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت.

● مخالفان قشر بندی گمان می‌کنند که اگر مالکیت خصوصی از بین برود، دیگر طبقه پائین نخواهیم داشت و همگان شرایطی یکسان پیدا می‌کنند.

۴- عقیده دارند قشر بندی اجتماعی توسط انسان‌ها پدید آمده و تداوم یا تغییر آن به دست خود آن‌هاست.

۵- تاکید آنها بر معایب قشر بندی نشان می‌دهد که خواهان از میان برداشتن قشر بندی هستند.

## ب) انتقاد به مدل کمونیستی

با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه رقابت از بین می‌رود؛ زیرا این امر سبب می‌شود تلاش و شایستگی بیشتر افراد کوشا و توانمند نادیده گرفته شود.

اگر چه در این رویکرد، نقطه شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود، اما به دلیل از بین رفتن انگیزه رقابت، راه پیشرفت مادی، مسدود می‌گردد.

رقابت میان اشخاص برای رسیدن به جایگاه اجتماعی یا مادی بالاتر، بلوغ فکری و اجتماعی آن‌ها را به دنبال دارد.

## رویکرد سوم : مدل عدالت اجتماعی (رویکرد عادلانه)

طرفداران عدالت اجتماعی معتقدند هیچ کدام از دو رویکرد قبل ، عادلانه نیستند.

مدل لیبرالی عادلانه نیست زیرا:

این واقعیت را نادیده می گیرد که افرادی که در طبقه اجتماعی پائین متولد می شوند ، حتی با داشتن شایستگی و تلاش برابر ، به سادگی امکان رقابت با افرادی که در طبقه اجتماعی بالا متولد می شوند، ندارند. (در رویکرد نخست نقطه آغاز رقابت عادلانه نیست)

مدل کمونیستی عادلانه نیست؛ زیرا:

در این رویکرد ، افراد توانمند و کوشا به اندازه استحقاقی که دارند، از مزایای اجتماعی برخوردار نمی شوند.

(در رویکرد دوم ، نقطه پایان رقابت عادلانه نیست .)

● هر دو رویکرد اول و دوم ، به علت ناعادلانه بودن ، با فطرت انسانی سازگار نیستند و در نتیجه به شکست می انجامند.

در رویکرد عادلانه :

۱- مالکیت خصوصی لغو نمی شود.

۲- جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همه فراهم کند.

۳- جامعه باید زمینه رقابت از نقطه شروع یکسان را برای همه ، فراهم نماید.

۴- برای تحقق دو هدف فوق ، دولت به نمایندگی از جامعه موظف است نیازهای ضروری همه افراد ( مانند خوراک ، پوشاک و مسکن) را تامین کند. در نتیجه همه کودکان از امکانات اولیه برای پیشرفت ، بهره مند می شوند و می توانند بر اساس توانایی و شایستگی خود با دیگران رقابت کنند.

۵- دولت باید برای کاهش نابرابری های اجتماعی تدابیر بیشتری بیندیشد ؛ مثلاً از ثروتمندان مالیات بگیرد و از آن برای رفع فقر در جامعه استفاده کند.

مزایای مدل عدالت اجتماعی

- نه به رهاسازی مطلق موافق است و نه با کنترل مطلق .
- نه اجرای عدالت را به دست نامرئی بازار می سپارد و نه دخالت همه جانبه دولت را می پذیرد .
- طرفداران این رویکرد به دنبال برقراری عدالت اجتماعی هستند؛ اما به بهانه عدالت اجتماعی ، آزادی افراد و امکان رقابت میان آن ها را از بین نمی برند.

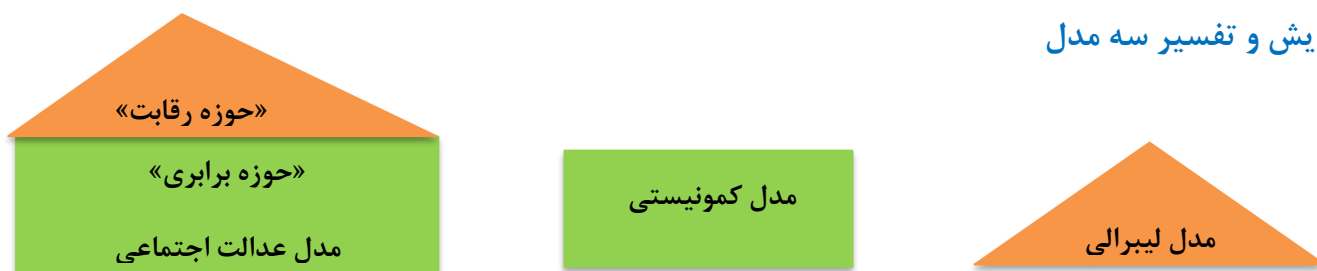
کاهش نابرابری ها

جوامع مختلف برای کاهش نابرابری های اجتماعی ، راهکارها و راه حل های مختلفی را در پیش می گیرند ؛ مانند:

۱- گرفتن مالیات از اقشار برخوردار

۲- پرداخت یارانه به اقشار کم برخوردار

نمایش و تفسیر سه مدل



مدل لیبرالی	<p>- طرفدار قشر بندی است و رقابت میان اعضای جامعه را تشویق می کند.</p> <p>- معتقد است نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد.</p> <p>- عقیده دارد نابرابری های اجتماعی نتیجه تفاوت ها یا نابرابری های طبیعی هستند، بنابراین عادلانه اند</p> <p>- نقش انسان ها و جوامع را در پدید آمدن و ادامه یافتن قشر بندی اجتماعی نادیده گرفته و تغییر در آن را چندان امکان پذیرد نمی داند.</p> <p>- با تاکید بر کارکردهای قشر بندی ، آن را تایید و تثبیت می کنند.</p> <p>- بر این باور است که از گذشته تاکنون، هیچ جامعه ای بدون قشر بندی اجتماعی نبوده است.</p>
مدل کمونیستی	<p>- با قشر بندی مخالف است و با تاکید بر « برابری » ، انگیزه رقابت میان افراد جامعه را از بین می برد.</p> <p>- معتقد است نابرابری های اجتماعی ناشی از تفاوت ها و نابرابری های طبیعی نیستند، بلکه نتیجه روابط سلطه جویانه میان انسان ها هستند و بنابراین باید با آن مبارزه کرد.</p> <p>- عدالت اقتصادی را مهم می داند و راه برقراری عدالت را توزیع برابر ثروت می داند.</p> <p>- مخالف مالکیت خصوصی و خواهان لغو آن است ؛ زیرا عقیده دارد مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و ایجاد نابرابری های اجتماعی شده است.</p> <p>- عقیده دارد قشر بندی اجتماعی توسط انسان ها پدید آمده و تداوم یا تغییر آن نیز به دست انسان هاست.</p>
مدل عدالت اجتماعی	<p>- با قشر بندی و رقابت میان افراد جامعه کاملاً مخالف نیست ؛ اما عقیده دارد جامعه موظف است امکان رقابت از نقطه شروع یکسان را برای همه فراهم کند.</p> <p>- دولت به نمایندگی از جامعه وظیف دارد نیازهای اولیه و ضروری همه افراد (مانند خوراک ، پوشاک و مسکن) را تامین کند تا افراد بتوانند بر اساس توانایی و شایستگی خود با دیگران رقابت کنند.</p> <p>- دولت باید برای کاهش نابرابری های اجتماعی تدابیر بیشتری ببیند؛ مانند اخذ مالیات از ثروتمندان....</p> <p>- این رویکرد ، مالکیت خصوصی را به رسمیت می شناسد .</p>

جامعه شناسی انتقادی

رویکرد تبیینی	<p>غلبه این رویکرد موجب می شد که «گزاره های انتقادی و تجویزی» یا «داوری درباره ارزش ها» ، خارج از علوم اجتماعی و غیر علمی قلمداد شوند.</p> <p>این اعتقاد با عنوان « جدایی دانش از ارزش » بیان می شد ؛ یعنی دانش و ارزش ، دو قلمرو متمایز و متقابل دارند:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• « دانش » ، قلمرو « تبیین » است و تبیین یعنی « کشف و بازخوانی واقعیت ها»</li> <li>• « ارزش » ، قلمرو « تفسیر » است و تفسیر یعنی « خلق و بازسازی ارزش ها»</li> </ul>
رویکرد تفسیری	<p>با غلبه این رویکرد ، رویکرد تبیینی به حاشیه رفت و راه را برای بازگشت گزاره های انتقادی و تجویزی به علوم اجتماعی باز شد.</p>
رویکرد انتقادی	<p>در این رویکرد ، از پیوند دانش و ارزش سخن به میان می آید و « دانش انتقادی » شکل می گیرد.</p> <p>• دانش انتقادی ، دانشی است که از وضعیت موجود انتقاد می کند و می خواهد برای عبور از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب ، راه حل ارائه کند.</p>

نتیجه : از درون رویکرد تفسیری ، نوع جدیدی از جامعه شناسی به نام «جامعه شناسی انتقادی» پدید آمد.



## ویژگی های جامعه شناسی انتقادی

- ۱- به « توصیف و تبیین » پدیده های بسنده نمی کند.
  - ۲- به « داوری ارزشی » پدیده های مورد مطالعه می پردازد و آن را با ملاک های ارزشی ( خوب و بد ) و ملاک های هنجاری ( باید و نباید ) ارزیابی می کند.
  - ۳- علم را به معنای حسی و تجربی آن محدود نمی کند و تلاش می کند از محدودیت های علم تجربی رها شود تا بتواند معیارهای ارزشی و هنجاری را جست و جو کند.
- مثال: صرفاً به توصیف و تبیین تبعیض نژادی در جوامع نمی پردازد، بلکه آن را تقبیح و از آن انتقاد می کند و یا عدالت اجتماعی را تحسین می کند. و برای گسترش آن راه حل هایی تجویز می کند.
- ۴- مهم ترین هدف خود را ، نقد وضعیت موجود جهان اجتماعی و تجویز راه حل هایی برای رسیدن به یک وضعیت بهتر می داند.

● فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب جهان اجتماعی ، جامعه شناسی را به داوری درباره ارزش ها و انتقاد از آن ها می کشاند ، جامعه شناسان انتقادی نیز برای داوری و انتقاد ، به «معیارهای علمی» نیاز دارند تا بر اساس آن :

- ۱- وضعیت موجود را « ارزیابی » کنند.
- ۲- تصویری از وضعیت مطلوب « ترسیم » کنند.
- ۳- راه عبور از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را «پیشنهاد» دهند.

## رابطه متقابل کنش های اجتماعی افراد و ساختارهای نظام اجتماعی

زندگی اجتماعی انسان ، دو وجه دارد:

- ۱- از یک سو ، افراد در زندگی گروهی خود با یکدیگر ، جهان اجتماعی و ساختارهای آن را می سازند.
  - ۲- از سوی دیگر هر جهان اجتماعی ، الزام ها و پیامدهایی دارد که زندگی انسان را متأثر می سازد.
- تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پا برجاست ، پیامدهای آن نیز باقی است؛ اما با تغییر جهان اجتماعی موجود و به تبع آن ، برداشته شدن الزام هایش ، جهان اجتماعی جدیدی شکل می گیرد که پیامدها و الزام های دیگری را به دنبال می آورد.
- همیشه این امکان وجود دارد که یکی از دو وجه زندگی اجتماعی انسان مورد توجه و تاکید بیشتری قرار گیرد و وجه دیگر آن نادیده گرفته شود؛ یعنی :

- گاهی نظام اجتماعی و ساختارهای آن در کانون توجه قرار می گیرند ؛ یعنی پیامدهای جهان اجتماعی برای افراد برجسته می گردد ، ولی این وجه که جهان اجتماعی ساخته انسان هاست ، نادیده گرفته می شود.
- گاهی به کنش های اجتماعی افراد توجه بیشتری می شود؛ یعنی بر این نکته که جهان اجتماعی محصول کنش افراد است تاکید بیشتری می شود و از وجه دیگر ، یعنی پیامدها و الزام های جهان اجتماعی غفلت می شود.
- برجسته کردن یک وجه از زندگی اجتماعی انسان و تاکید بر آن و نادیده گرفتن وجه دیگر، می تواند آثار و پیامدهای نامطلوبی برای زندگی اجتماعی داشته باشد .



## عقاید جامعه شناسان انتقادی

جامعه شناسان انتقادی همانند جامعه شناسان تفسیری بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی تاکید می کنند. جامعه شناسی انتقادی برخلاف جامعه شناسی تفسیری کم توجهی رویکرد تفسیری به ساختارهای اجتماعی و تاثیر این ساختارها بر زندگی افراد را درست نمی دانند. چرا بی توجهی به ساختارهای اجتماعی و نادیده گرفتن آن ها ، به معنای چشم پوشی از آثار و پیامدهای مخرب آن هاست؟ زیرا انتقاد از ساختارهای اجتماعی و کنترل آثار مخرب آن ها از دست می رود.

جامعه شناسان انتقادی معتقدند:

۱- گاهی جهان اجتماعی و ساختارهای آن ( که با دست خود انسان ها ایجاد شده اند ) ، سازندگان خود را زیر سلطه خود در می آورند.

۲- گاهی « پیامدهای معناها و اراده های » فرد یا گروهی ، بر فرد ، گروه یا فرهنگ دیگری تحمیل می شود.

۳- گاهی « معناها ، ارزش ها و ساختارهایی » که گروه یا قومی می سازند ، گروه یا قومی دیگری را زیر سلطه خود در می آورد و سرکوب می کند.

جامعه شناسی انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر تاکید می کنند: به دو دلیل :

۱- پیشگیری از سلطه ساختارهای سرکوبگر بر زندگی انسان ها

۲- فراهم آوردن زمینه شکل گیری ساختارهای اجتماعی انسانی تر و اخلاقی تر

● جامعه شناسی انتقادی به نقد سلطه در روابط و مناسبات میان افراد ، گروه ها و فرهنگ ها می پردازد.

## نقد سلطه در جامعه شناسی انتقادی

جامعه شناسی انتقادی با ، پذیرش رویکرد تفسیری معتقد است که تمام معانی و ارزش ها ، ساخته پرداخته اراده های افراد ، گروه ها و فرهنگ ها است؛ یعنی هر فرد ، گروه و فرهنگ اراده خاص خود را دارد و معانی و ارزش های ویژه خود را خلق می کند که :

● هیچ کدام « بهتر یا بدتر » از دیگری نیستند.

● هیچ کدام « درست یا غلط » و « حق یا باطل » نیستند.

● رویکرد انتقادی ، هیچ گونه حقیقت یا فضیلتی را کشف نمی کند تا بر اساس این حقایق و فضائل به نقد کنش ها و روابط میان انسان ها و جوامع پردازد ؛ بلکه برای دفاع از اراده افراد ، گروه ها و فرهنگ ها معتقد است که : نباید فرد یا گروهی بر فرد یا گروهی دیگر تحمیل شود یا فرهنگی از گستره جغرافیایی و محدوده تاریخی خود فراتر رود و بر فرهنگ دیگری اعمال سلطه کند؛ زیرا اگر چنین اتفاقی رخ دهد و اراده فرد یا گروهی سرکوب گردد ، مصداق سلطه است و باید به انتقاد از آن پرداخت .

## جامعه شناسی انتقادی

موضوع	روش	هدف
کنش های اجتماعی و پیامدهای آن	تفسیری ، انتقادی و تجویزی	انتقاد از وضع موجود ، تجویز وضع مطلوب و ارائه پیشنهاد و راه حل برای رسیدن به آن

## اصول سه گانه ای که جامعه شناسی انتقادی پذیرفته است

غیر از زمان و مکان جهان متجدد ، بشر این گونه می اندیشد که :

۱- حقایق و ارزش هایی فراتر از انسان وجود دارد که هستی آن ها وابسته به انسان نیست : یعنی این حقایق ساخته و پرداخته ذهن ها و فرهنگ های بشری نیستند که از جایی به جایی و زمانی به زمانی تغییر کنند.

۲- انسان ، امکان شناخت و دریافت این حقایق را دارد و باید برای دسترسی به آن ها تلاش کند. البته انسان ها پس از شناخت این ارزش ها ممکن است زندگی خود را بر اساس آن ها تنظیم کنند یا بر خلاف آن ها عمل کنند.

۳- انسان ، در شناخت صحیح این حقایق و ارزش ها ممکن است دچار خطا و اشتباه شود ، ولی هرگز به سبب اشتباهات احتمالی خود از شناخت این حقایق دست نمی کشد.

اکنون در زمانه و زمینه جهان متجدد ، جامعه شناسی انتقادی ، بدون پذیرش این اصول سه گانه ، در جست و جوی ملاک ها و معیارهایی است تا بر اساس آن ها بتواند به نقد و ارزیابی زندگی اجتماعی انسان ها بپردازد و با شناسایی وضع مطلوب بشر ، برای عبور از وضع موجود به وضع مطلوب ، راهی نشان دهد.



بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>